



مقایسه اندیشه‌های سلفی اخوان با

سلفی‌های جهادی - تکفیری

مهدی اخلاقی‌نیا*

چکیده

مواضع و دیدگاه‌های گروه‌های سلفی‌گرا همواره با توجه به شرایط زمانی و مکانی یا الزامات سیاسی - اجتماعی در معرض تغییر و تحول بوده و گاه این دگرگونی‌ها موجب تعارضات جدی میان اعضای گروه‌های سلفی‌گرا در جهان اهل سنت شده است.

جنبش سلفیه به عنوان یکی از حرکات‌های فکری شناخته‌شده و پرنفوذ در جهان اسلام طی صد سال اخیر محرک و موجد جنبش‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی در کشورهای اسلامی بوده است. در این میان، جنبش اخوان المسلمین مصر را می‌توان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین جنبش سلفی‌گرای قرن گذشته تاکنون دانست که به رغم فراز و فرودهای بسیار، جایگاه خود را به عنوان جنبشی اسلامی و عمل‌گرا تثبیت کرده است.

در کنار جنبش اخوان، جنبش‌های جوان‌تری شکل گرفته‌اند که گرچه خاستگاه اصلی آنها جماعت اخوان بود، به مرور زمان تفاوت‌های فاحشی میان عقاید سیاسی آنها و اخوان المسلمین به وجود آمد که به وضوح در نحوه عمل و فعالیت سیاسی و اجتماعی آنان مؤثر بوده است.

این مقاله در پی بررسی اصول، ارکان و وجوه تشابه و افتراق فکر سیاسی اخوان المسلمین مصر با جماعت‌های جهادی در موضوعات مهمی چون نوع نگاه به حکومت اسلامی، برداشت کلی از مفاهیم جهاد و تکفیر، چگونگی رفتار با حکومت‌های سکولار در جوامع اسلامی، نحوه رفتار با بیگانگان و کفار و در نهایت، چگونگی برخورد با سایر مسلمانان است.

* پژوهشگر حوزه اندیشه سیاسی در اسلام



مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در عمل سیاسی میان تمام گروه‌ها و فرق سیاسی را باید اندیشه، مرام و دیدگاه‌های آنان در قبال چگونگی و کیفیت سیاست‌ورزی از مرحله نظر تا تحقق عملی آن دانست. اندیشه سیاسی لاجرم واجد مراحل و مؤلفه‌های خاصی است و نقطه تمرکز آن فکر و تأمل درباره پدیده‌های سیاسی است. اندیشمند سیاسی با مشخص کردن نقطه‌ای برای آغاز اندیشه سیاسی، منظور و کانون توجه اندیشه خود را درباره چگونگی کشف عناصر سیاسی و تعاملات ذهنی با آن عناصر روشن می‌سازد. همچنین با توجه به مرام عقیدتی و نهادهای فکری خویش، نحوه ارزش‌گذاری خود را در پدیده‌های سیاسی تعیین و کیفیت اندیشه‌ورزی و پس از آن بنای ذهن - تحلیل خود را به صورتی روشمند بر این اصول اولیه پایه‌گذاری می‌کند.

اندیشه سیاسی هر چه باشد، نیازمند تصویر مطلوبیت‌های سیاسی برآمده از نظام معرفتی است تا بر آن اساس به پرسش‌های خود از جامعه سیاسی مطلوب پاسخ و راهکارهای تأسیس نظام اجتماعی مقبول را ارائه دهد.

اندیشه سیاسی، صرف نظر از اندیشمند و فضای اجتماعی و معرفتی آفرینش آن، پاسخی به یک بحران یا نیازی سیاسی و اجتماعی است.^۱ منشأ این نیاز سیاسی هرچه باشد، قاعدتاً از بطن جامعه و نظامات معرفتی مولدان آن تولید شده و فکر سیاسی برآمده از آن شرایط نیز نشان‌دهنده جهان‌بینی و نظام معرفتی سازندگان آن و راهنما و شاخص کنش‌های سیاسی هواداران آن است.

اندیشه سیاسی را می‌توان نزدیک‌ترین عرصه به فلسفه سیاسی دانست؛ زیرا اساسی‌ترین مقولات مد نظر در فلسفه سیاسی با اندیشه سیاسی در یک راستاست و بر همین اساس هر دو رشته در پی شناسایی و تبیین اصلی‌ترین مؤلفه‌های سیاسی مانند قدرت دولت، آزادی افراد در جامعه و ارتباط میان قدرت دولتی و ساختار اجتماعی هستند. ریمون آرون در تعریف اندیشه سیاسی می‌نویسد: «کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معمولی احتمال تحقق دارند و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف شوند».^۲

^۱ ر.ک: «گفت‌وگوی سید صادق حقیقت با فرهنگ رجایی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۰.

^۲ حسین بشیریه، اندیشه‌های مارکسیستی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۶.



بر اساس این تعریف، در اندیشه سیاسی تأکید بر نوعی تمایل به عملی شدن فلسفه و بنیان‌های معرفت و شناخت سیاسی نهفته است. در واقع، اندیشه سیاسی می‌کوشد برای یافتن الگویی عملی، مفاهیم مد نظر سیاست را به کار گیرد و از میان آنها نتیجه مطلوب خود را دریابد. بر این اساس، در بحث نظریه، هدف نهایی این است که مطلوبیت‌های شناخته‌شده در عرصه عمل تحقق یابد. به طور کلی اندیشه و فکر سیاسی ویژگی عمل‌گرایانه‌تر دارد و از حالت صرف انتزاع در فلسفه سیاسی فاصله می‌گیرد.^۱ به همین دلیل، واکاوی اندیشه سیاسی منتسب به گروه‌های سیاسی که در اینجا جماعت اخوان المسلمین مصر و گروه‌های جهادی و تکفیری مد نظر است، بهترین راه برای شناخت ماهیت عملکرد سیاسی آنان به شمار می‌آید.

مواضع و دیدگاه‌های گروه‌های سلفی‌گرا از نخستین روزهای شناسایی این جماعت‌ها تا عصر حاضر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی یا الزامات سیاسی - اجتماعی، در معرض تغییر و تحول بوده و گاه این دگرگونی‌ها موجب تعارضات جدی میان اعضای گروه‌های سلفی‌گرا در جهان اهل سنت شده است.

این نکته شامل عقاید و آرای سیاسی جماعت اخوان المسلمین به عنوان یکی از سرچشمه‌های مهم زایش گروه‌های سلفی‌گرای جدید می‌شود. از بدو تأسیس جماعت اخوان المسلمین، به ویژه پس از مرگ مؤسس آن حسن البنا، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و در برخی موارد اعتقادات مذهبی جماعت دچار تحول و تطور شده است. این تحولات نیز به جدایی افراد و ایجاد انشعاب‌های گوناگون در جماعت انجامیده است. بدین ترتیب، گروه‌ها و افراد تندروتر و بنیادگراتر در جامعه آزاد شدند و به تدریج جماعت‌های جهادی کوچک و بزرگی هم‌چون جماعت جهاد اسلامی در مصر شکل گرفتند. این جماعت‌ها و گروه‌های سلفی که مشخصه اصلی آنها جهادگرایی و تکفیرگرایی بود، بعدها هسته و پایه اصلی بزرگ‌ترین گروه سلفی جهادگرا در جهان به نام سازمان القاعده را تشکیل دادند.

از آنجا که فکر و اندیشه عامل انگیزه‌بخش مهم برای هر حرکت و جنبش اجتماعی است، دیگر اینکه تضاد در آرا و افکار سبب انشقاق و ایجاد دسته‌بندی‌های جدید در جماعت اخوان به عنوان بزرگ‌ترین جنبش اسلام‌گرای عصر جدید شده است، بررسی اندیشه سیاسی سلفی‌های اخوانی با

^۱ همان، ص ۱۷. نقل شده از: «فلسفه سیاسی چیست؟» گردآوری و اقتباس نوید موسوی، قابل بازیابی در:

<http://www.poorsesh.com/pol/policy-philos/194-what-policy-philos.html>



سلفی‌های انشعاب‌کرده از اخوان المسلمین از اهمیتی خاص برخوردار است. بنابراین، مقاله حاضر، با در نظر گرفتن اهمیت انجام چنین پژوهشی در اندیشه سیاسی جماعت‌های سلفی، مسأله اصلی خود را تشریح اصول و ارکان و وجوه تشابه و افتراق فکر سیاسی منتج به عمل در این دو گروه سلفی قرار داده است.

در اینجا فرض بر این است که این دو دسته عقاید سلفی‌گرا دارای وجوه تشابه، افتراق و تضاد هستند که بررسی مقایسه‌ای آن دو را میسر و موجه می‌کند. همچنین این نکته مفروض انگاشته شده است که شرایط زمانی و مکانی، ویژگی‌های فردی و خاستگاه اجتماعی برخی اعضا و افراد وابسته به جماعت اخوان، سبب بروز انشعاب‌های درون‌گروهی و شکل‌گیری آرام گروه‌های جهادی - تکفیری از دل این تضادها یا رشد و گسترش آنها شده است.

این مقاله می‌کوشد عقاید و انگاره‌های سیاسی، اجتماعی و دینی معطوف یا منبعث از اندیشه سیاسی جماعت اخوان المسلمین را با عقاید و اندیشه‌های سیاسی گروه‌های سلفی جهادی - تکفیری مقایسه کند. بنابراین، پنج عنصر کلیدی اندیشه سیاسی این دو طیف سلفی‌گرا ذیل عناوین «حکومت اسلامی» شامل نگاه به نوع و جنس حکومت، تحزب و رقابت سیاسی و نوع نگاه به مفاهیم امت و ملت، اندیشه جهاد و تکثیر، چگونگی تعامل با حکومت سکولار، بیگانگان و کفار و در نهایت دیدگاه‌های این دو طیف سلفی در قبال چگونگی تعامل یا تقابل با سایر مسلمانان مورد بررسی مقایسه‌ای قرار می‌گیرد.

1. حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین و جماعت‌های جهادی

در ارتباط با اندیشه سیاسی و دیدگاه‌های جماعت اخوان و گروه‌های جهادی درباره حکومت اسلامی آنچه اهمیت می‌یابد، شاخصه‌های نوع و جنس حکومت، تحزب و رقابت سیاسی و نقش و جایگاه امت و ملت در حکومت است.

الف) نگاه به نوع و جنس حکومت

حکومت مطلوب در نظر قاطبه جماعت‌های اسلام‌گرا چیزی جز حکومت اسلامی به معنای تام و



تمام کلمه نیست. اگرچه تفاوت‌هایی در روش‌های نیل به حکومت اسلامی مطلوب میان جماعت اخوان المسلمین و جماعت‌های سلفی جهادی و تکفیری وجود داشته و دارد، هدف نهایی و غایی هر دو گروه تشکیل حکومتی اسلامی است.

جماعت اخوان با توجه به تحولات عظیمی که در راهبردهایش به منظور نیل به حکومت اسلامی رخ داده است، با گزینش روش و منش عمل‌گرایانه تلاش دارد مطلوبیت‌های مد نظر خود را برای نیل به نظامی مطابق اسلام یک به یک و به آرامی کسب کند. به همین علت، روش‌های قهریه را در تشکیل حکومت اسلامی کنار نهاده است. علاوه بر این، می‌توان گفت جماعت اخوان المسلمین با کنار نهادن یا به حاشیه راندن عقاید سنتی خود مبنی بر احیای نوعی خلیفه‌گری اسلامی در جهان اسلام، تمرکز بیشتری بر اسلامی شدن قوانین و اعمال دولت اسلامی دارد و حکومت اسلامی را به عنوان یک آرمان هم‌چنان حفظ کرده است.^۱ از این رو، جماعت اخوان سال‌ها مشی سیاسی خود را بر ارشاد و تبلیغ در بطن جامعه مسلمان قرار داده است و تلاش دارد جامعه اسلامی را برای تأسیس حکومتی اسلامی آماده کند. اگرچه این تفکر منبعث از آرای رهبران اولیه اخوان است، بیش از آن و به شکلی سازمان‌یافته می‌توان آن را در بخش‌هایی از اندیشه سید قطب دید. وی معتقد بود جامعه اسلامی به بیراهه رفته و عملاً به جامعه‌ای جاهلی بدل شده است و باید آن را از این کژراهه نجات داد. اگرچه راهکارهای قطب سبب تهییج گروه‌های تکفیری و بعدها سازمان‌های جهادی شد، مغز و معنای کلام وی آن بود که باید جامعه را برای حکومت اسلامی آماده کرد. از این رو، جماعت اخوان المسلمین توجهی خاص به تبلیغ و ارشاد جامعه دارد و بنای حکومت اسلامی را منوط به آمادگی مسلمانان برای پذیرش حقیقی این مهم می‌داند.^۲

برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های جهادی و تکفیری چنین سعه صدر یا اهمالی را در برابر تشکیل حکومت اسلامی بر نمی‌تابند و تلاش دارند با اعمال انقلابی به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه‌ای مسلمان تبدیل و حکومت اسلامی را با جهاد مداوم احیا کنند. گروه‌های جهادی و تکفیری

^۱ برای نمونه رک: «اخوان المسلمین و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت»، مصاحبه محمدمهدی عاکف، مرشد عام سابق جماعت اخوان المسلمین با روزنامه الشرق الاوسط، قابل بازیابی در:

www.bashgah.net/pages-1700.html

^۲ رک: مهدی اخلاقی‌نیا، «راهبردهای نوین اسلام میانه رو مصر»، فصلنامه جهان اسلام.



در مقایسه با جماعت اخوان، وفاداری و علاقه بیشتری به نهاد خلافت به عنوان نماد حکومت اسلامی نشان می‌دهند و راهکارهای سید قطب و دیدگاه‌های عبدالسلام فرج را که خواهان حرکت‌های انقلابی و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی و نه تدریجی بودند، پیگیری می‌کنند. آنان به طور معمول با رهبر (ولی امر) خود بیعت می‌کنند و عملاً نوعی خلیفه‌گری کوچک‌شده را به نمایش می‌گذارند. اوج این نوع رفتار را می‌توان در بیعت گروه‌های مختلف جهادی و تکفیری در سراسر جهان عرب با اسامه بن لادن، رهبر تشکیلات القاعده، مشاهده کرد. بنابراین دیدگاه‌های سیاسی جماعت اخوان و گروه‌های سلفی جهادی درباره تشکیل حکومت اسلامی، به رغم تشابه در ذات و اهمیت وقوع و تأسیس این نوع حکومت، عملاً دو مسیر متفاوت را طی کرده و نموده‌ها و نمادهای متفاوتی را برای یک حکومت اسلامی مطلوب یا حکومت اسلامی قابل دسترس ارائه کرده است. جماعت اخوان المسلمین با اتخاذ نگاهی ارشادی و جامعه‌محور، اصلاح معطوف به حکومت اسلامی را می‌پسندد، اما جماعت‌های جهادی و تکفیری تلاش دارند بدون توجه محوری به وضع جوامع اسلامی به انقلابی از بالا دست بزنند و هرچه سریع‌تر به هدف غایی خود که همان برپایی حکومت اسلامی است، دست یابند.

ب) حزب و رقابت سیاسی

یکی دیگر از مباحث مهمی که در قالب حکومت و حکومت‌داری، اندیشه سیاسی گروه‌های اسلام‌گرای سلفی را به خود مشغول کرده، مسئله تحزب و کثرت‌گرایی در جامعه اسلامی در قالب حکومت اسلامی است. اگرچه ذات و بن‌مایه دیدگاه‌های سلفی‌گرا چندان تفاهم و توافقی با حضور و نقش‌آفرینی احزاب در حکومت اسلامی ندارد، گذر زمان و مقتضیاتش سبب شده است زاویه دید و نظر برخی گروه‌های سلفی، از جمله جماعت اخوان المسلمین به کثرت در جامعه اسلامی تغییر کند، به گونه‌ای که عملاً موافقت خود را با کثرت‌گرایی و تحزب در جامعه اسلامی اعلام کرده است. سید قطب به عنوان یکی از نظریه‌پردازان مهم سلفی، اساساً با مفهوم تحزب مخالف بود و سرشت حکومتی را که برپایه انتخابات و تحزب بنا شده باشد، با روح اسلام و شرع مغایر



می‌دانست.¹

اگرچه سید قطب به عنوان یک اخوانی سرشناس باید بیشترین تأثیر را بر اخوان داشته باشد، به مرور زمان جماعت‌های جهادی و تکفیری بیش از اخوان المسلمین به اندیشه‌های وی وفادار ماندند. جماعت اخوان المسلمین رسماً تحزب و تکثر در حکومت را پذیرفته است و برخلاف سلفی‌های جهادی، حزب را مفهومی منفی در حکومت‌داری نمی‌پندارد. بنابراین، جماعت اخوان تلاش کرده است هم در عرصه عمل و هم در عرصه نظر، مفهوم تحزب، انتخابات و کثرت‌گرایی را مورد تأیید قرار دهد و ضمن پای‌بندی به قواعد دموکراتیک، پیگیر اهداف اسلامی خود باشد و از هرگونه تلاش برای از میان برداشتن و تضعیف شاکله دموکراتیک خودداری کند.²

برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های جهادی و تکفیری از اساس مفهوم تحزب و کثرت‌گرایی را در جامعه اسلامی و حکومت‌داری رد می‌کنند. محمد عبدالسلام فرج در رساله الفریضة الغایبة می‌نویسد: «احکامی که امروز بر مسلمانان حاکم است، احکام کفر (آمیز) و قوانینی است که کافران وضع کرده و مسلمانان را بدان سوق داده‌اند.»³ از این رو، وی و قاطبه سلفی‌های جهادی مفاهیمی هم‌چون تحزب را خلاف شرع می‌دانند و نفی می‌کنند و اساساً نمی‌توانند نفرت و انزجار خود را به این شیوه حکومت‌داری که برپایه انتخابات و از طریق احزاب، حاکمیت خدا را به مردم تفویض می‌کند، پنهان دارند.⁴

سلفی‌های جهادی و تکفیری و در رأس آنها سازمان القاعده با تفسیر خاصی که از دموکراسی و تکثر به دست می‌دهند، آن را مطلقاً خلاف شرع می‌دانند و بدین علت با هرگونه تحزب و آزادی بیان به شدت مخالف‌اند. اساساً در نظام سیاسی مد نظر القاعده، با توجه به آنکه نهاد خلافت مطلوبیت خاصی دارد و قوانین نیز توسط فقها و علمای سلفی با تأسی به احکام الهی تبیین و وضع

¹ سید قطب، ما چه می‌گوییم؟، ترجمه و تفصیل از سید هادی خسروشاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370، ص 107.

² ابراهیم محمد و دیگران، اخوان المسلمین مصر، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، 1385، ص 295.

³ رضوان السید، «زیستگاه ایدئولوژیک و سیاسی جنبش‌های اسلامی معاصر»، ترجمه مجید مرادی، قابل بازیابی در: www.bashqah.net/pages-4645.html

⁴ نورمحمد نوری و دیگران، چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 1382، ص 99.



می‌شوند، دیگر مجالی برای طرح احزاب یا تکثر سیاسی یا عقیدتی باقی نمی‌ماند.¹

ج) نقش و جایگاه امت و ملت در اندیشه سیاسی اخوان و سلفی‌های جهادی

مفهوم امت اسلامی یکی از مفاهیم کلیدی است که از آغازین روزهای پیدایی جهان اسلام و اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر حکومت اسلامی، ذهن مسلمانان را به خود مشغول کرده است. امت اسلامی، مفهومی کل گراست و شامل تمام مسلمانان دارالاسلام می‌شود که پیش از انشقاق کشورهای اسلامی در عصر مدرن، تحت لوای حکومت اسلامی و خلیفه‌گری تعریف می‌شدند. برخلاف مفهوم امت، مفهوم ملت و ملیت با ظاهر و تعاریف معاصر، مفهومی کاملاً مدرن به حساب می‌آید و به رغم سابقه قومیت‌گرایی‌های مختلف در تاریخ اسلام، به دلیل تعارض با مفهوم امت و عدم هم‌خوانی با مفهوم جدید ملی‌گرایی، قومیت‌گرایی در سازوکار اعتقادی مسلمانان و جوامع اسلامی سنتی و ماقبل مدرن، تعریف نمی‌شد.

اسلام‌گرایان سلفی در آغاز چندان اهمیتی به این مفهوم نمی‌دادند و همواره بر مفهوم امت در مقابل ملت‌گرایی و ملی‌گرایی تأکید می‌ورزیدند. سید قطب با مذمت ملی‌گرایی و ناسیونالیسم عربی، آن را مفهومی وارداتی و غربی می‌دانست که مخدوش‌کننده قوام امت اسلامی است. اساساً وی قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم را نشانه‌هایی از جاهلیت تلقی می‌کرد.² قطب با تأکید بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت و ملی‌گرایی، ایدئولوژی و اساس مرام اسلام‌گرایان را در قبال این دست مفاهیم مشخص کرده است و عملاً تمام اسلام‌گرایان سلفی، از جمله اخوان المسلمین و سلفی‌های جهادی و تکفیری در عرصه نظر کمابیش با این دیدگاه موافق‌اند.

جماعت اخوان المسلمین از آغازین روزهای تأسیس، مفهوم امت را پررنگ‌تر از مفهوم ملت دنبال کرده است، اما می‌توان رگه‌هایی از ملی‌گرایی عربی را در دیدگاه‌های سرکردگان این گروه یافت. حسن البنا در نوشته‌هایش به برخی بن‌مایه‌های عرب‌گرایی اشاره دارد. هم‌چنین طی دهه‌های اخیر عقاید سیاسی و مذهبی جماعت اخوان به گونه‌ای شکل گرفته که برخلاف عقاید

¹ حمیدرضا اسماعیلی، *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 1386، صص 107-108.

² رفعت سید احمد، *الحركات الإسلامية في مصر و ایران*، سینا للنشر، 1989، صص 120-121.



ضد ملی‌گرایی سید قطب، به رغم عدم ترویج و تشویق ملت‌گرایی و ملی‌گرایی در برابر امت‌گرایی، مخالفت جدی و سرسختانه‌ای با این مفاهیم نکرده است.^۱ این طرز نگاه به ملت بیش از آنکه برگرفته از ایدئولوژی اسلامی اخوان باشد، تاکتیکی بود که به علت فضای عمومی ناسیونالیسم عربی در جهان عرب، خواه ناخواه بر ذهن اخوانی‌ها تأثیر گذاشت. به آرامی جایگاه و نقش این انگاره از یک تاکتیک فراتر رفت و بخشی از برنامه‌های دائم اخوان شد، به نحوی که سازمان درونی اخوان را متأثر ساخت. بدین ترتیب، طی روندی پرچالش شعبه‌های بومی و ملی اخوان تشکیل شدند و رسمیت یافتند.

بنابراین، به مرور زمان جماعت اخوان (جماعت‌های اخوان) با کاستن از نقش جهانی خود (امت‌گرایی) تمرکز بیشتری به مسائل مناطق خود (ملی‌گرایی) داشته است. نباید جماعت سلفی اخوان را سازمان قومی و ملی‌گرا تصور کرد، بلکه به علت شرایط و کارکردهایی ویژه که اخوان آنها را پذیرفته، مفهوم ملت و ملی‌گرایی در عمل و نظر این جماعت رنگ و نقشی تازه و بیشتر به خود گرفته است. برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های سلفی جهادی - تکفیری به نمایندگی القاعده، عمده تمرکز خود را بر مفهوم امت اسلامی و دارالاسلام معطوف داشته‌اند.

اساساً در ذات فکری گروه‌هایی همچون القاعده چیزی به عنوان تکثر جایگاهی ندارد؛ خواه این تکثر در عرصه ذهن و بیان باشد یا در صحنه دیانت یا دولت - ملت. مفاهیم به کار رفته در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های رهبران القاعده بیش از آنکه به ملت و قومیت تأکید کند، مفاهیمی کلی و عام‌نگرند و متأثر از مفهوم امت‌گرایانه، جهان اسلام و جمیع مسلمانان را خطاب قرار می‌دهند.^۲ اما این تأکیدهای امت‌محور بدان معنا نیست که سلفی‌های جهادی به لحاظ تاکتیکی به قومیت‌گرایی و مفهوم شورانگیز و بسیج‌کننده ملت و ناسیونالیسم بی‌توجه باشند.

در برخی موارد و جایگاه‌ها، مفهوم ملت و ناسیونالیسم عربی، در پناه و لفافه اسلام‌گرایی و با

^۱ برای نمونه رک: «اخوان المسلمین و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت»، پیشین.

^۲ برای نمونه رک: ابی مصعب الزرقاوی، کلمات مضیئة، الكتاب الجامع لخطب و کلمات الشيخ المعتر بدینه ابی مصعب الزرقاوی، شبکه البراق الاسلامیة، 1427 ه.ق، صص 5-7، قابل بازیابی در:



تصور تأییدشان از سوی اراده خداوندی، مطلوبیت‌هایی برای سران القاعده داشته و از منظر اسلام‌گرایی سلفی جهادی بدان نگریسته شده است.

بدین ترتیب، نوعی ناسیونالیسم مذهبی شده که ذاتاً فاقد اصالت بوده و اصلتش را از شریعت وام گرفته است، در ادبیات سلفی‌های جهادی دیده می‌شود.¹

می‌توان گفت سلفی‌های اخوانی و سلفی‌های جهادی هر دو بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت و قومیت تأکید دارند. البته تأکید اخوانی‌ها بر ملت و قومیت تحت تأثیر شرایط و جو حاکم بر مصر و کشورهای عربی تقویت و به آرامی واجد نوعی اصالت شده است. در مقابل، در دیدگاه سلفی‌های جهادی، گرچه قومیت‌گرایی واجد اصالت نیست و مابین مفهوم امت اسلامی است، با پوشیدن ردای مذهب، واجد نوعی اصالت عرضی شده و تأکیدات عمدتاً تاکتیکی و البته محدودی بر آن می‌شود.

2. جهاد و تکفیر در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین و جماعت‌های جهادی - تکفیری

تکفیر و جهاد از رایج‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم مورد استفاده گروه‌های سلفی‌گرا، از جمله جماعت‌های سلفی اخوان المسلمین و تکفیری و جهادی‌هاست. این دو مفهوم به عنوان مرزهای تعیین‌کننده دوست و دشمن و عمل و نظر (واقعیت و آرمان) در نظر گرفته شده و هر کدام به مقتضیات زمان و مکان کارکردها و کاربردهایی گوناگون و حتی متفاوت داشته‌اند. اگرچه در برخی دیدگاه‌های سلفی‌گرا، تکفیر یک جامعه، گروه یا فرد الزاماً جهاد علیه آن را به همراه نخواهد داشت، در بیشتر برداشت‌های منبعث از مکتب سلفی می‌توان ملازم بودن این دو مفهوم کلیدی را مشاهده کرد.

الف) تکفیر و تکفیرگرایی در اندیشه سلفی اخوان و سلفی‌های جهادی - تکفیری

مشى عملی و نظری جماعت اخوان المسلمین در اکثر موارد نشان می‌دهد که این سازمان چندان علاقه‌ای به ادبیات تکفیرگرایانه ندارد و غالباً این واژه را به کار نبرده و استفاده از آن عمدتاً برای نشان دادن خط میان اسلام و کفر یا دشمنان خارجی (که بیشتر اسرائیل مد نظر بوده است) و دارالاسلام بوده است. به عبارت دیگر، جماعت اخوان المسلمین علاقه و انگیزه کافی برای تکفیر

¹. اسماعیلی، پیشین، ص 109.



غیرمسلمانان یا مسلمانان نداشته است. اخوانی‌ها به رغم سلفی بودن و تأثیرپذیری از آرای فقهی فقها و علمای سلفی، به علت مشی اعتدالی خود و متأثر از عمل‌گرایی نهادینه‌شده، عقاید تکفیری را بسیار کم‌رنگ‌تر و محتاطانه‌تر از گروه‌های سلفی دیگر دنبال و همواره از درگیر شدن در چنین مسائل پیچیده و بعضاً تفرقه‌افکنانه‌ای دوری می‌کنند. اما مورد سید قطب یک استثنا میان متفکران اخوانی است که خارج از سازمان اخوان به حکم و قاعده‌ای فراگیر برای گروه‌هایی شد که بعدها به سلفی‌های تکفیری و جهادی - تکفیری شهرت یافتند.

قطب با تقسیم جوامع به جاهلی و اسلامی زمینه تکفیرگرایی گسترده‌ای را فراهم آورد که دامان جوامع اسلامی را نیز گرفته است. او جامعه فعلی مسلمانان را جامعه‌ای جاهلی می‌داند که به رغم نمایش ظاهری اسلام، به اسلام واقعی عمل نمی‌شود.¹ چنین جامعه‌ای شایسته تکفیر و مستحق هجرت است.

اما با توجه به مشی کلی اخوان و اهداف و اصول عقاید آن که بر ایجاد اجتماعی نوع‌دوستانه و تلاش برای رفع جهل و بی‌سوادی تأکید می‌کرد، اساساً برابند فکری و ذهنی جماعت نمی‌توانست بر تکفیر جامعه اسلامی استوار شود.²

از این رو، آرا و افکار سید قطب به رغم همه احترامی که اخوانی‌ها برای وی قائل‌اند، چندان تأثیری بر رشد تکفیرگرایی در جماعت اخوان نداشته است.

هم‌چنین جماعت اخوان بارها اعلام کرده است که از درگیری در جدل‌های مذهبی اجتناب می‌ورزد و اساساً خود را (دست‌کم به لحاظ نظری) به هیچ فرقه و گروه خاصی وابسته نمی‌داند و تنها روح و جوهر اسلام را مبنای عمل قرار می‌دهد و از درگیری‌های غیرضروری در فروغ خودداری می‌کند.³ این به معنای پایانی بر تکفیرگرایی در جماعت اخوان انگاشته می‌شود.

اما تکفیرگرایی در گروه‌های سلفی غیراخوانی خط سیر دیگری را دنبال کرد و به رهبری افرادی که از اخوان بریدند و خواهان عملکردی متفاوت و مبتنی بر آرای سید قطب بودند، رشد و

¹ سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، مباحثی در زمینه‌های جامعه، اقتصاد، سیاست و حکومت، ترجمه و توضیحات سیدهادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، تهران: کلبه شروق، 1379، صص 27 - 23.

² اسحاق موسی الحسینی، اخوان المسلمین، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات، 1387، صص 76-85.

³ من خطب حسن البنا، دورة الاولى، دمشق، 1938، ص 17. نقل‌شده در: اسحاق موسی الحسینی، پیشین، ص 82.



گسترش یافت. افرادی هم‌چون شکری مصطفی، ایمن ضواهری و صالح سریه با توجه به اینکه خواهان برخورد و شدت عمل علیه دولت سکولار مصر بودند، ایدئولوژی سید قطب را پسندیدند و بدان گرویدند. خط سیر اندیشه تکفیری و میل به تکفیرگرایی در این جماعت‌ها رفته رفته گسترش یافت و تمام جامعه اسلامی حتی اسلام‌گرایان مخالف ایدئولوژی تکفیر را دربرگرفت.

مطابق دیدگاه جماعت‌های سلفی تکفیری و جهادی، به ویژه سازمان القاعده، کسانی که از مکتب فکری آنان پیروی نکنند، با عنوان «کافر، مشرک و منافق» دسته‌بندی و تکفیر می‌شوند.¹ بنابراین، تمام مسیحیان و یهودیان در دایره کفار قرار می‌گیرند و برخی اهل سنت که عقاید تکفیری را نمی‌پذیرند، منافق محسوب می‌شوند. شیعیان نیز گاه منافق و گاه مشرک دانسته شده‌اند. بنابراین، تمام این گروه‌ها به انحای مختلف با چوب تکفیر رانده می‌شوند و مستحق برخورد جهادی و خشونت‌بار هستند. حتی گروه‌هایی هم‌چون سلفی‌های اخوانی در معرض تکفیر قرار گرفته‌اند.

در نگاهی کلی روشن می‌شود جماعت اخوان به هیچ وجه خواهان درگیر شدن در ادبیات تکفیرگرایانه نیست و تمام تلاش خود را می‌کند که در جامعه و با جامعه مسلمان (ولو جاهلی و آلوده به برخی مسائل کفرآمیز) کار و فعالیت کند و راه اصلاح تدریجی جامعه را برگزیند. برخلاف آنان، جماعت‌های تکفیری - جهادی به رهبری القاعده از تکفیر برای توجیه اعمال خود علیه دیگران بهره می‌برند و تلاش دارند به طوری گسترده از این واژه و مفهوم فقهی برای توجیه جهاد خود علیه دیگران (مسلمان و غیرمسلمان) بهره‌برداری و بدین ترتیب، مرز بین خودی و غیرخودی را مشخص کنند.

از همین زاویه، ایدئولوژی جهادگرایی در متن و بطن ادبیات تکفیری القاعده، راه خود را از سلفی‌های اخوانی جدا و نگاهی متفاوت به جهاد ایجاد می‌کند.

ب) جهاد و جهادگرایی در اندیشه سلفی‌های اخوانی و سلفی‌های جهادی و تکفیری

در ادامه مبحث تکفیر، بخش عملی اندیشه سیاسی سلفی یعنی جهاد معنی می‌یابد. هر دو گروه سلفی‌های اخوانی و سلفی‌های جهادی و تکفیری در اصل وجوب جهاد و تأکید بر این مفهوم

¹ حمیدرضا اسماعیلی، پیشین، صص 94-95.



اسلامی اشتراک نظر دارند و معتقدند مسأله نبرد بین حق و باطل و ایمان و کفر، سنتی ثابت و تغییرناپذیر در شریعت اسلامی است.

در نگاهی کلی، جهاد در اسلام به معنای جهد و کوشش در راه خداوند متعال است و از این نظر، سراسر حیات انسان مستلزم نوعی جهاد است و در واقع عمل به تمام عبادات و دوری از گناه و خطا جهاد محسوب می‌شود.¹

اما جهاد مد نظر در اینجا، نبردی تهاجمی یا دفاعی علیه کفار و متجاوزان به دارالاسلام یا فراتر از آن نبرد علیه هر کسی است که علیه مبانی دینی و اسلامی عامداً و مستمراً عمل کند و با قوای قهریه و ابزارهای مشابه، اصل شریعت یا بلاد مسلمین را هدف قرار دهد. از این نظر، جهاد به معنای جنگ یا دفاع مقدس است.

سلفی‌ها در نظرهای فقهی مرتبط با جهاد و تکفیر عمدتاً تابع یا متأثر از عقاید ابن تیمیه هستند. ابن تیمیه به روشنی جهاد را علیه کفار، منافقین و مشرکین واجب دانسته و خون آنها را حلال شمرده است. وهابیت در ادامه دیدگاه‌های ابن تیمیه با بسط و گسترش مفهوم جهاد و افزایش دایره کسانی که باید با آنها مبارزه کرد، شمار زیادی از مسلمانان سنی را نیز مشمول این حکم دانست. سید قطب از معروف‌ترین اعضای اخوانی است که به تشریح مفهوم جهاد در جنبش اسلامی و سلفی پرداخت. وی در تداوم بسط اندیشه تکفیر، روش‌های مسالمت‌آمیز اخوان المسلمین را که از دوره حسن البنا کمابیش خطمشی اصلی جماعت بوده است، کنار نهاد و برای برقراری حکومت اسلامی، جهاد و تمسک به روش‌های قهرآمیز را اجتناب‌ناپذیر دانست.²

آموزه‌های قطب با ساختار فکری و مذهبی اخوان سازگاری درونی نداشت. بنابراین، جماعت اخوان که نمی‌خواست برخلاف خطمشی تاریخی خود، به خشونت عریان و دائم مبتنی بر اندیشه تکفیر، متوسل شود، دچار نوعی اختلاف در آرا و افکار شد که در نهایت، جهادگرایان اخوانی از جماعت انشعاب کردند و گروه‌های جهادی و تکفیری متعددی بنا نهادند.

جماعت اخوان به رغم تأکید بر مفهوم جهاد، مخالف خشونت عریان است و تلاش دارد جهاد را

¹ سید حسین نصر، *قلب اسلام*، ترجمه مصطفی شهر آیینی، تهران: انتشارات حقیقت، مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، 1383، صص 314-315.

² سید قطب، *عدالت اجتماعی در اسلام*، مباحثی در زمینه‌های جامعه، اقتصاد، سیاست و حکومت، پیشین.



در مفهوم عمومی آن یعنی تلاش و کوشش در راه خدا (به هر وسیله و در هر شرایط نه فقط با تکفیر و نبرد) تفسیر و بدان عمل کند. سخنان عصام عریان، از رهبران اخوان، درباره تلاش جماعت در رفع اتهام خشونت‌طلبی^۱ و نیز محکوم کردن اکثر عملیات‌های گروه‌های جهادی و تکفیری توسط جماعت اخوان‌المسلمین مؤید این نظر است.

اما جهاد از نظر جماعت‌های سلفی تکفیری، به ویژه سازمان القاعده، چیزی بیش از یک حکم فقهی فرعی و در ردیف اصول اولیه دین اسلام اهمیت یافته است.^۲ تکفیری‌ها بر این عقیده‌اند که جهاد، جنگ و ترور دشمنان خدا امری ضروری و تکامل‌بخش دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است.

آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه هر کسی (چه مسلمان چه کافر و غیره) را موجه جلوه می‌دهند و جهاد در راه خدا تفسیر می‌کنند. بنابراین، ذات و درون‌مایه جهاد در جنبش سلفی تکفیری، ماهیتی صرفاً آرهایی و هراس‌مدار می‌یابد که با ماهیت چندگانه جهاد در نظر اخوانی‌ها که عمدتاً از خشونت دوری می‌کنند، متفاوت است.

جماعت‌های جهادی برخلاف جماعت اخوان که نوعی مشی همکاری‌جویانه با حکومت و برخی گروه‌های سکولار مصر را دنبال می‌کند، معتقدند تمام این گروه‌ها از جمله رهبران لائیک حکومت، رهبران احزاب سکولار و کمونیستی، رهبران مسیحی که مروج دین مسیحیت هستند، یهودیان و آمریکایی‌ها و عموماً غربی‌ها، شیعیان و اهل تسنن مخالف عقاید تکفیری و جهادی و حتی اعضای جماعت اخوان‌المسلمین مستحق کشته شدن و ترور هستند و جهاد (به ترتیب اولویت) که هر گروه جهادی به آن عقیده دارد) با آنها واجب است.

جهاد در ایدئولوژی القاعده از اهمیتی والا برخوردار است و برخلاف اخوان که اصلاح و اعتدال را عنصر کلیدی می‌داند، سلفی‌های جهادی - تکفیری یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم

^۱ «مصاحبه عصام العریان، سخنگوی جماعت اخوان المسلمین»، قابل بازیابی در:

www.islamonline.com.2002/3/23.

^۲ رفعت سید احمد، «جنبش اسلامی و نظام سیاسی»، ترجمه صفرا روستایی و مرضیه زارع، فصلنامه نهضت، س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۷۹، صص ۱۰-۱۸.



ایدئولوژی خود را عنصر جهاد برمی‌شمرد و حتی بعضاً آن را از واجبات اسلامی دیگر مهم‌تر می‌داند.

3. چگونگی تعامل با حکومت سکولار در کشور اسلامی در اندیشه سیاسی جماعت اخوان

المسلمین و جماعت‌های سلفی جهادی و تکفیری

چگونگی تعامل یا تقابل با حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی و نحوه برخورد با حاکمیت مستقر، از مسائل دیگری است که جنبش‌های سلفی با آن مواجه هستند. بی‌تردید، حکومت مد نظر تمام جماعت‌های سلفی نوعی حکومت اسلامی است که رأس هرم حاکمیتی آن ولی امر یا خلیفه قرار می‌گیرد و شورای نخبه‌ای از مسلمانان وی را در امور حکومتی یاری می‌رساند.¹

سلفی‌ها معتقدند اسلام واجد نظام، قانون، روش آموزش و حقوق و قضاوت است و به هیچ وجه نمی‌توان این امور را از یکدیگر جدا دانست و این مسأله میان سلفی‌ها امری مشترک است.

جماعت اخوان بارها اعلام کرده که تشکیل حکومتی اسلامی یکی از برنامه‌های آن است و تلاش خواهد کرد حکومت را از دست کسانی بازستاند که به فرمان خدا عمل نمی‌کنند. اما شرط عملی شدن آن را آمادگی کامل جامعه برای چنین حکومتی بیان می‌کند. در واقع، جماعت زمانی دنبال تشکیل حکومت خواهد رفت که ضرورت، اصل و اندیشه‌های مرتبط با حکومت اسلامی در دل جامعه نهادینه شود.²

بنابراین، روشن است جماعت اخوان المسلمین روش و راهبردی عمل‌گرایانه و گام به گام را در راستای نیل به چنین هدف بزرگی برگزیده است و از روش‌های انقلابی اجتناب می‌ورزد.

آرا و دیدگاه‌های انقلابی سید قطب که مروج نوعی برخورد انقلابی با حکومت سکولار بود، نتوانست مشی و روش کلی جماعت را به طور کلی تغییر دهد و بیش از آنکه اخوان المسلمین را متأثر سازد، گروه‌های کوچک جهادی - تکفیری را مسلح به ایدئولوژی جهادی کرد. جماعت اخوان

¹. باری روبین، «سه گروه اخوان (مقایسه سه گروه اخوان المسلمین سوریه، اردن و مصر)»، ترجمه کیانوش کیاکجوری، به نقل از فصلنامه مریا، ژوئن 2007، قابل‌بازیابی در:

www.aftab.ir/articles/politics/world/c1c1201006638p1.php

هم‌چنین بنگرید به: محمد رشید رضا، *الخلافة والامامة العظمی*، القاهرة: مطبعة المنار، 1341 ق.

². من خطب حسن البنا، پیشین، ص 20.



بارها تمایل خود را به ایجاد نوعی تعامل با حکومت سکولار و شرکت در نهادهای حکومتی از جمله پارلمان نشان داده است و تلاش دارد از این طریق اهداف خود را پیگیری کند.

جماعت اخوان بارها اعلام کرده است درصدد تغییر روش‌های دموکراتیک در ساختار حکومت نیست و می‌کوشد ضمن پای‌بندی به این‌گونه روش‌ها پیگیر اهداف عالیه خود باشد.^۱ به نظر می‌رسد نظام مطلوب خلیفه‌گری در اندیشه اخوانی به حاشیه رفته و روش‌های عمل‌گرایانه سبب شده است نوعی تعامل نامحدود به لحاظ زمانی با حکومت برقرار شود. از این رو، جماعت اخوان که ذاتاً اپوزیسیون حکومت سکولار به حساب می‌آید، همکاری و روابطی گسترده با سایر احزاب مخالف دولت که اکثراً مرام سکولار و غیراسلامی دارند، برقرار کرده است. جماعت، هدف اولیه خود را شرکت در بازی سیاسی و تلاش برای احیای دموکراسی در مصر تعریف کرده است تا با استفاده از ابزار دموکراسی و به امید اقبال مردم مسلمان مصر به اسلام‌گرایی سلفی میانه‌روانه آن، به آینده‌ای موفق دست یابد. اما اینکه در آینده وضعیتی هم‌چون الجزایر در انتظار جماعت اخوان است یا فرایند سیاسی و اجتماعی شدن جماعت شرایطی ایجاد می‌کند که اخوانی‌ها در قامت یک حزب سیاسی تمام‌عیار در نظامی نه‌الزاماً اسلامی به فعالیت پردازند و مانند احزاب اسلام‌گرای رفاه و عدالت و توسعه در ترکیه در فرایندی سیاسی و دموکراتیک قدرت را در دست گیرند یا در ساختار قدرت شریک شوند، چیزی است که به روشنی نمی‌توان درباره آن اظهار نظر کرد.

برخلاف جماعت اخوان، جماعت‌های سلفی جهادی و تکفیری رویکردی سلبی در قبال همکاری با حکومت سکولار اتخاذ کرده‌اند. در نظر این گروه‌ها، حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی چیزی جز شالوده‌ای ضد اسلامی نیستند که به مثابه زرهی محافظ برای غرب و اسرائیل عمل می‌کنند و بدین ترتیب، نبرد با این حکومت‌ها، نبردی مقدس و گام اولیه تشکیل حکومت فراگیر اسلامی است.^۲ از این رو، همکاری یا هرگونه تعامل مثبت یا منفی با حکومت سکولار در نظر جماعت‌های سلفی جهادی - تکفیری جرمی نابخشودنی است و شایسته عقوبت. بنابراین، مشاهده می‌شود گروه‌های جهادی - تکفیری بارها جماعت‌هایی هم‌چون جماعت اخوان را به دلیل تعامل با

^۱. ابراهیم محمد و دیگران، پیشین، ص ۲۹۵.

^۲. سید احمد، جنبش اسلامی و نظام سیاسی، پیشین.



حکومت و شرکت در انتخابات پارلمانی سرزنش کرده و حتی تا مرز تکفیر آنان پیش رفته‌اند. جماعت‌های سلفی جهادی، حکومت‌های سکولار در کشورهای اسلامی را «مظهر طاغوت» می‌دانند و آنان و همکاران‌شان را «یاران شیطان» می‌نامند. از این رو، با تمسک به ایدئولوژی جهاد و تکفیر به برخورد و درگیری با نظام حاکم با هدف ایجاد نابسامانی و تزلزل امنیتی می‌پردازند. سلفی‌های جهادی، رهبران لائیک دولت‌های سکولار را اولین و مهم‌ترین هدف حمله خود برگزیده‌اند و آنان را مستحق مرگ به هر روشی (ترور) می‌دانند.¹

بنابراین، روشن است هیچ نوع همکاری و تعامل مثبت یا منفی با حکومت به روش‌های غیرخسونت‌آمیز قابل تصور نخواهد بود.

سلفی‌های جهادی امکان هرگونه اصلاح را در جامعه با وجود حکومت‌های سکولار منتفی می‌دانند و به پیروی از استدلال سید قطب، رژیم کنونی را «جاهلی»، فاسد و ضد اسلامی برمی‌شمرند. آنان حاکمیت را چنان ناقص می‌دانند که هیچ تعاملی جز نبرد مستقیم با آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین، با اتخاذ رهیافت مخالفت انقلابی² به مبارزه خود ادامه می‌دهند. این رهیافت مشخص می‌کند که سیستم و رژیم سیاسی نامشروع است و باید با استفاده از شیوه‌های خسونت‌آمیز به سرنگونی آن اقدام کرد.³

با نگاهی کلی به بیانیه‌ها و اظهار نظرهای سازمان القاعده و گروه‌های وابسته به آن به روشنی می‌توان دریافت این بیانیه‌ها و اظهارات، بارها از عناصر حکومت سکولار به عنوان دشمنان مهم اسلام یاد و هیچ راهبردی جز جهاد و مبارزه با آنان را پیشنهاد نمی‌کنند.

بنابراین، مشخص است راهبردها و تاکتیک‌های القاعده و سلفی‌های جهادی که مبتنی بر مخالفت انقلابی با دولت‌های سکولار و عدم همکاری و همزیستی با آنهاست، در تضاد کامل با راهبرد اصلاحی و همزیستی‌گرایانه⁴ اخوانی قرار دارد و نمی‌توان تحلیل همسانی از آنها به دست داد.

¹. همان.

². Revolutionary Resistance

³. نوروزی و دیگران، پیشین، صص 178-188.

⁴. Accomodationism



4. بیگانگان و کفار در دیدگاه‌های سیاسی اخوان المسلمین و سلفی‌های جهادی و تکفیری

یکی از عوامل مهم محرک تأسیس و احیای جنبش‌های اسلام‌گرا در جهان تسنن انگیزه مبارزه با حضور و نفوذ بیگانگان در دارالاسلام است. طی قرن گذشته هر حرکت و جنبشی که با انگیزه‌های احیای اسلامی پا به عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام گذاشته، یکی از اهداف خود را مبارزه با استعمارگران و بیگانگان (کافر) در دارالاسلام تعریف کرده و پیگیر این هدف بوده است. به عبارت دیگر، تمام گروه‌های فکری اعم از تمدن‌گرایان عرب‌گرا - تمدن‌گرایان اسلام‌گرا - اسلام‌گرایان سنتی و بنیادگرایان اسلامی جنبش خود را در تحقق مجموعه‌ای از اهداف بزرگ و کوچک تعریف کرده‌اند که بی‌شک یکی از این اهداف مهم مبارزه با کفار اجنبی و استعمارگران بیگانه است.¹

جماعت اخوان المسلمین یکی از اهداف اساسی خود را که در اصل میهن‌دوستی اخوان توصیف شده، آزادی مصر و تمام کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی از یوغ بیگانگان اعلام کرده است.²

هم‌چنین ذیل قاعده نفی سبیل، جماعت اخوان المسلمین خواهان حفظ شرافت اسلامی و پایان دادن به ذلت زندگی زیر یوغ استعمارگران ولو به قیمت شهادت و مرگ شرافتمندانه شده است.³

اخوانی‌ها بیش از همه در سه مسأله مهم، بیگانه‌ستیزی خود را به منصفه ظهور رسانده‌اند:

نخست، بحث اسرائیل و اشغال بیت‌المقدس توسط یهودیان صهیونیست؛ جماعت اخوان با اعزام نیروهای مسلح خود به جبهه‌های جنگ و اعلام جهاد علیه اسرائیل عملاً و مستقیماً وارد معرکه نظامی علیه بیگانگان (و کفار) شد. هر چند در گذر سالیان دراز، راهبردها و سیاست‌های عملی جماعت درباره مسأله فلسطین رنگ و بوی نظامی و برخورد قهرآمیز خود را از دست داده، جماعت هم‌چنان به اسرائیل به عنوان دشمنی غاصب می‌نگرد و تلاش دارد سیاست‌های دولت‌های اسلامی، به ویژه دولت مصر را در زمینه عدم همکاری با اسرائیل متأثر سازد و مسأله فلسطین را زنده نگاه دارد.

¹ رک: یاسین رسولی، «آینده بنیادگرایی و ویژگی‌های آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی توسعه، س 4، تابستان 84.

² اساسنامه اخوان المسلمین مصوب 1945، رک: «اخوان المسلمین و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت»، پیشین.

³ من خطب حسن البنا، پیشین، صص 66-70؛ هم‌چنین ن ک: اسحاق موسی الحسینی، پیشین، صص 85 - 81.



به عبارت دیگر، جماعت اخوان با اتخاذ راهبرد عمل‌گرایانه و محافظه‌کارانه‌تری در مقایسه با گذشته، ضمن حفظ عقاید و مواضع منفی خود در برابر اسرائیل، در مقطع کنونی تمایلی به برهم زدن تعادل نسبی اسرائیل با کشورهای عربی ندارد و تنها به صورت مدنی تلاش می‌کند مسأله فلسطین را در اذهان مردم مصر زنده نگه دارد.¹

دوم، اشغال کانال سوئز توسط فرانسه و بریتانیا با همکاری اسرائیل در پی ملی‌سازی این آبراهه توسط دولت مصر، خیزش ضد استعماری اخوان را تحریک کرد.

سوم، در عصر حاضر مسأله مداخله‌های امریکا در جهان اسلام و اشغال کشورهای اسلامی به بهانه مبارزه با تروریسم و ترویج اسلام‌هراسی از مسائلی است که اخوان به آن می‌پردازد. جماعت اخوان می‌کوشد ضمن محکوم کردن اشغالگران و سلطه‌گران و مبارزه مدنی و سیاسی با بیگانگان (و کفار) باب مذاکره و حل و فصل امور از این راه را باز گذارد و از اعمال جهادی یا تکفیری در قبال بیگانگان به ویژه امریکایی‌ها خودداری کند؛ اگرچه امریکا را دشمنی فوق‌العاده تصور می‌کند.² گروه‌های سلفی‌گرا و تکفیری نیز همچون جماعت اخوان نگاهی منفی و خصمانه به بیگانگان دارند، اما آنها برخلاف اخوان، تمامیت غرب و بیگانگان را مستحق هرگونه اقدام خشونت‌بار و جهادی می‌دانند و عمدتاً با تکفیر بخش‌هایی از جامعه غربی تلاش می‌کنند با ابزارهای قهرآمیز این «کفار بیگانه» را از دارالاسلام بیرون برانند. سید قطب معتقد است: «کشورهای بیگانه، به ویژه غربی‌ها عامل مؤثر در اشغال فلسطین بوده‌اند، کشورهای اسلامی را اشغال و استعمار کرده‌اند و هنوز هم ضد مسلمانان و اسلام عمل می‌کنند.» بنابراین، وی وظیفه تمام مسلمانان می‌داند که به هر وسیله‌ای که مقدور باشد، از ارتکاب هر عملی که همکاری با غرب و بیگانگان محسوب شود، جلوگیری کنند.³

¹. available at: www.mehrnews.com/fa/Newsdetail.aspx?newsID=264206.

². الحسینی، پیشین، صص 300-298؛ هم‌چنین نک: «اخوان المسلمین مصر و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت»، پیشین.

³. سید قطب، ما چه می‌گوییم؟، پیشین، ص 100.



وی که یکی از اندیشمندان اسلامی اثرگذار بر جریان‌های جهادی و تکفیری است، این گروه‌ها را در مبارزه با غرب به هر وسیله‌ای (هر ابزار ممکن) کاملاً باز گذاشته است و برخی از این گروه‌ها با همین توجیه، هرگونه عمل اربابی و تروریستی را مجاز می‌دانند.

جهادگرایان تکفیری، کفار و بیگانگان را عامل استعمار، شکنجه، ترویج فساد اخلاقی در جوامع اسلامی، ترویج سکولاریسم و لائسیسم، اضمحلال خلافت اسلامی، از میان بردن اقتصاد کشورهای مسلمان، اشغال عراق و افغانستان، حمایت از دولت‌های سرکوبگر و دست‌نشانده و وابسته کردن هر چه بیشتر کشورهای اسلامی به غرب می‌دانند. آنان با این کار بذر نفرت را در جوامع اسلامی علیه خود انتشار داده‌اند.¹

تکفیرگرایان به ارباب، ترساندن و ترور بیگانگان کافر معتقدند. از دید آنان، این ترس آثار پنج‌گانه زیر را دارد:

1. کفار قصد ورود به دارالاسلام را نمی‌کنند.
 2. اگر ترس و بیم‌شان بیشتر شود، شاید خود را بر پرداخت جزیه ملزم کنند.
 3. شاید این ترس انگیزه گرایش آنان به اسلام شود.
 4. به موجب آن، به هم‌کیشان دیگر خود کمک نخواهند کرد.
 5. ترس کفار، بر هیبت و آراستگی قلمرو اسلامی می‌افزاید.²
- بنابراین، یهودیان، امریکایی‌ها، توریست‌ها و جهانگردان غربی، سفارت‌خانه‌های کشورهای غربی، نیروهای نظامی و مبلغان مسیحی و یهودی حتی کارکنان و تجار غربی و همکاران مسلمان آنان در صدر فهرست ترور گروه‌های جهادی و تکفیری قرار گرفته‌اند.
- سازمان القاعده بیگانگان (و کفار) را با اصطلاح «صلیبیون» (صلیبی‌ها) خطاب می‌کند و نبرد با آنان را جنگی مقدس برمی‌شمرد. القاعده یکی از آثار مهم جهاد مقدس خود را جلوگیری از تسلط کافران بیگانه بر مسلمانان می‌داند؛ چنان که حفظ عزت امت و نقش بر آب شدن توطئه دشمنان

¹ سیداحمد، جنبش اسلامی و نظام سیاسی، پیشین.

² همان.



در گرو آن است.¹

اساساً القاعده بیگانگان را کافر و دشمن خدا می‌داند، بنابراین، برخلاف نظر جماعت اخوان، هیچ مذاکره و تعاملی را با آنان ممکن و مشروع نمی‌داند و حرام قطعی فرض می‌کند. به رغم تشابهات اصلی که میان دیدگاه‌های القاعده و جماعت اخوان درباره بیگانگان و کفار و لزوم برخورد با آنان وجود دارد، می‌توان مشاهده کرد راهبردها و تاکتیک‌های این دو طیف سلفی‌گرا در مقابله با بیگانگان، به رغم اشتراک در ذات منفی‌انگارانه، تفاوت آشکاری دارد. اخوانی‌ها قائل به امکان برقراری تعامل، صلح و روابط متقابل و البته محتاطانه‌اند، اما جهادی‌ها اساساً برخورد قهرآمیز را در تمام جلوه‌هایش تجویز می‌کنند.

5. عقاید جماعت‌های سلفی اخوان المسلمین و جهاد - تکفیرگرایان درباره چگونگی

رفتار با مسلمانان دیگر

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهمی که ذهن تمام سلفی‌ها را به خود مشغول ساخته مسلمان بودن تا نبودن نفوس مدعی دیانت اسلام است. ابن تیمیه مطالب مفصلی در این باره به خصوص در مورد شیعیان عصر خود نوشته که در بسیاری موارد مورد قبول سلفی‌ها به ویژه وهابیان و سلفی‌های جهادی - تکفیری قرار گرفته است.

مفاهیم بدعت، شرک، جاهلیت و نفاق مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی هستند که در گفتمان سلفی درباره تفسیر و تبیین شرایط مسلمین کاربرد دارند. البته این حکم کلی بدین معنا نیست که تمام سلفی‌ها به یک اندازه و با شدت و حدت ابن تیمیه یا محمد بن عبدالوهاب از این مفاهیم علیه مسلمانان دیگر استفاده می‌کنند. برای مثال، جنبش سلفی اخوان المسلمین به رغم آنکه به سلف صالح معتقد است، اساساً خود را از درگیری‌های بین مذاهب اسلامی کنار کشید و همان‌گونه که گفته شد، اخوانی‌ها مسأله اصلی خود را اتحاد و اتفاق اسلامی و رهایی از یوغ بیگانگان در راستای

¹. اسماعیلی، پیشین، صص 93-94، نیز ن.ک:

Tom Knowlth, "Zawaheri – not Binludan – is the Top Target", Available at: www.solivan.country.com/z/sftt.htm



تأسیس حکومت اسلامی قرار داده‌اند. از این رو، جمعیت فداییان اسلام که جنبشی ایرانی - شیعی بود، روابط خوبی با اخوان برقرار کرد و حتی می‌توان مدعی شد فداییان اسلام عملاً به مثابه شعبه شیعی اخوان المسلمین اقدام می‌کرد.¹

بنابراین، در کمتر مواردی اعضای اصلی و بلندپایه اخوان درباره مسلمانان و شیعیان اظهارات تند و غیرقابل بازگشت داشته‌اند. مورد حسن ترابی، اخوانی شهیر سودانی که زمانی با دولت شیعه ایران روابطی نزدیک داشت، نشان می‌دهد که اساساً مسأله و دغدغه اخوانی‌ها چگونگی برخورد یا تعامل با فرق اسلامی نیست. اما نباید فراموش کرد برخی شعب محلی اخوان در فلسطین، سوریه، اردن و برخی دیگر از کشورهای اسلامی با تشیع و شیعیان مشکل دارند. با این حال، آنچه مهم و تعیین‌کننده است، مواضع رهبری مرکزی اخوان المسلمین در مصر است.

مسأله تعامل یا برخورد با مسلمانان دیگر در عقاید سلفی‌های جهادی و تکفیری مستقیماً متأثر از این تیمیه و نیز دیدگاه‌های سلفیه وهابی است و یکی از دغدغه‌های مهم این جماعت‌ها به شمار می‌رود. در آغاز راه سلفی‌های جهادی و تکفیری با تکفیر جامعه اسلامی و هجرت از آن نشان دادند که از دید آنها، ذات و ماهیت اسلامی از جامعه مسلمانان رخت برپسته است و باید در راه اصلاح آن به هر اقدامی متوسل شد. مهم‌ترین دغدغه جهادی‌های القاعده، پیش از آغاز قرن جدید، مبارزه با صلیبی‌های متجاوز بود، اما پس از آن با اوج‌گیری دیدگاه‌های ضد شیعی ظواهری و یارانش در سازمان القاعده، مسأله مسلمانان دیگر، به ویژه شیعیان نیز در صدر فعالیت‌های القاعده قرار گرفت.

ظواهری و زرقاوی، مهم‌ترین و شاخص‌ترین افرادی هستند که نسبت به مسلمانان دیگر که با عقاید القاعده همراهی نمی‌کنند، اعلام انزجار و در مواردی آنان را تکفیر و علیه آنان اعلان جهاد کرده‌اند. جالب اینجاست که اعضای القاعده و سایر جنبش‌های جهادی و تکفیری حتی سازمان

¹. ن.ک: امان الله شفاوی، «جمعیت فداییان اسلام و مسائل جهان اسلام»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و فداییان اسلام، وبگاه اسناد انقلاب اسلامی، قابل بازیابی در:

<http://www.irdc.ir/fa/content/4945/default.aspx>



اخوان المسلمین را به سبب آنکه با عقاید جهادی آنها مخالفت می‌ورزد، مستحق تکفیر می‌دانند،^۱ اما جهاد علیه آنها را به دلیل اولویت جهاد علیه صلیبیان و شیعیان^۲ به زمانی دورتر موکول می‌کنند. سلفی‌های جهادی نفرت خویش را از مخالفان عقاید خود، به ویژه شیعیان پنهان نمی‌کنند و بارها با کلماتی هم‌چون منافق، زندیق، رافضی، مجوس، خائن، صفوی، کافر، مشرک و امثال آن نفرت خود را از این بخش از جامعه اسلامی ابراز کرده‌اند.

بنابراین، مشخص می‌شود در دستگاه اندیشه اخوانی، دست‌کم در حال حاضر، جایگاهی برای برخورد طردکننده و تکفیر مسلمانان دیگر وجود ندارد و آنان تلاش دارند از افتادن در ورطه اختلاف‌های درونی جهان اسلام دوری کنند. برخلاف اخوان، جماعت‌های سلفی جهادی و تکفیری تمایل گسترده خود را به عصبیت در فکر و رفتار علیه مسلمانان دیگر نشان داده‌اند. آنان اساساً هر مخالفی خواه شیعه، خواه سنی، خواه سلفی را مستحق مجازات و آنان را از راه حق و سلف صالح منحرف می‌دانند. از این رو، برخلاف مشی سلفی‌های اخوانی، جماعت‌های جهادی و تکفیری هیچ نوع اختلافی را برنمی‌تابند و علیه آن اقدام می‌کنند.

نتیجه‌گیری

چنان که گفته شد، جنبش سلفیه یکی از حرکتهای فکری شناخته‌شده و پر نفوذ در جهان اسلام است که طی صد سال اخیر محرک و موجد جنبش‌های سیاسی و اجتماعی فراوانی در کشورهای اسلامی بوده است. در این میان، جنبش اخوان المسلمین را می‌توان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین جنبش سلفی‌گرای قرن گذشته تاکنون دانست که با از سر گذراندن فراز و فرودهای فراوان،

^۱ ایمن الظواهری بارها از انحرافات اخوان سخن گفته و به شدت از این جماعت انتقاد کرده است، به گونه‌ای که تا حد و مرز تکفیر پیش می‌رود. برای نمونه نگاه کنید به: ایمن الظواهری، *الحصا المر الاخوان المسلمین فی ستین عاماً، الطبعة و الناصر، مجهولان*.

Availableat: www.ikhwan.net/archive/showthread.php?t=54394

^۲ در این مورد زرقاوی بسیار تندتر و ستیزه‌جوتر از الظواهری می‌اندیشید، به نحوی که اولویت اصلی در مبارزات جهادی خود را عملاً از نبرد با صلیبیون به جنگ فرقه‌ای با اهل تشیع سوق داد. در این باره می‌توان عواملی چند برشمرد که مهم‌ترین آنها جنگ قدرت سبعیان و اهل سنت در عراق در حال تحول، نزدیکی نسبی زرقاوی به میدان نبرد با تشیع در مقایسه با ظواهری و دیدگاه‌های شخصی وی بوده است.



هم‌اکنون جایگاه خود را به عنوان جنبشی اسلامی، عمل‌گرا و معتدل تثبیت کرده است. در کنار جنبش اخوان، حرکت‌ها و جنبش‌های جوان‌تری شکل گرفته‌اند که گرچه زادگاه اصلی آنها جماعت اخوان بود، به مرور زمان تفاوت‌های زیادی میان عقاید سیاسی این جماعت‌های تازه‌تأسیس و اخوان المسلمین بروز کرده که به وضوح در نحوه عمل و فعالیت سیاسی و اجتماعی آنان مؤثر بوده است.

تفاوت‌های عمده در اندیشه سیاسی این دو گروه فکری سلفی را می‌توان در نوع نگاه به حکومت اسلامی، برداشت کلی از مفاهیم جهاد و تکفیر، چگونگی رفتار با حکومت‌های سکولار در جوامع اسلامی، نحوه رفتار با بیگانگان و کفار و در نهایت چگونگی برخورد با مسلمانان دیگر مشاهده کرد.

در این مقاله فرض بر این بود که این دو گروه فکری، به رغم وجود ریشه‌های سلفی، به مرور زمان واجد تفاوت‌هایی در مؤلفه‌های مذکور شده‌اند و همین مسأله بررسی مقایسه‌ای فکر سیاسی آنان را ممکن ساخته است. طبق مشاهدات مقاله، جماعت‌های سلفی اخوانی و جهادی - تکفیری در مؤلفه‌های مورد بررسی تشابهات و اختلافات مشخصی دارند که مستقیماً بر نحوه عمل سیاسی آنان تأثیر گذاشته است و یکی را به جماعتی جهادی تبدیل کرده که با هیچ‌کس سر سازش ندارد و تنها راه رسیدن به آرمان‌های صدر اسلام، سلف صالح و جامعه و حکومت اسلامی را مبارزه و جهاد مستقیم با هر کس می‌داند که ظن دشمن خدا و جامعه اسلامی به او می‌رود و دیگری را به سازمانی رهنمون شده است که تلاش دارد خود را از هرگونه اعمال خشونت‌بار، بری کند و با پوشیدن جامه عمل‌گرایانه در تلاش است از راه اصلاح و ارشاد، جامعه اسلامی را آماده و مستعد پذیرش اسلام راستین و حکومت اسلامی کند.

در تمام موارد مورد بررسی، مشخص شد به رغم تعریف تقریباً مشابه از مفاهیم و مؤلفه‌های دین و سیاست در دستگاه فکری اخوانی و جهادی، تعیین مصادیق و تدبیر کنش یا واکنش در مقابل مسائل مترتب بر هر یک از مؤلفه‌های بررسی‌شده به شدت محل اختلاف بوده است.

با توجه به نتایج موجود، عمده اختلاف‌های مذهبی و سیاسی این دو نحله فکری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:



1. با اینکه گزینه مطلوب هر دو گروه در تشکیل حکومت، تحقق حکومتی اسلامی است، ابزارهای مورد تأیید هریک به شدت متفاوت و متضاد است. جماعت اخوان المسلمین با تأیید تکرر، تحزب و رقابت سیاسی، روش‌های همکاری جویانه‌تر و کم‌چالش‌تری را در مقایسه با جماعت‌های جهادی و القاعده برگزیده است، زیرا آنها ضمن رد تمام مفاهیم یادشده، تمسک به این روش‌ها را خلاف شرع می‌دانند. هم‌چنین اخوانی‌ها با کاهش تمایلات حکومتی و توقعات خویش برای تشکیل حکومت اسلامی و رهبری امت اسلامی، در عقاید خود به نوعی حکومت اسلامی ملی و بومی رسیده‌اند که قاعداً باید زمینه‌ساز حکومت مطلوب اسلامی و اتحاد امت اسلام باشد.

اما سلفی‌های جهادی چنین رویکردی به حکومت و امت اسلامی را مردود می‌دانند. با اینکه آنها بهره‌برداری ابزاری و مقطعی از مفهوم ملت و امت عربی را مجاز می‌شمردند، برخلاف اخوان المسلمین که ذات این مفاهیم را چندان مغایر اسلام و سیره سلف نمی‌دانند، تمسک به ملت در کنار امت و حکومت ملی - اسلامی را در راستای خلافت اسلامی مردود و انحراف می‌دانند.

2. جماعت اخوان المسلمین و سازمان القاعده، مفاهیم جهاد و تکفیر را از جمله مفاهیم مهم اسلامی برمی‌شمردند، اما در تعریف مفهومی و تعیین مصداق با هم تفاوت دارند.

جماعت اخوان علاقه چندانی به کاربرد مفاهیم تکفیرگرایانه نشان نمی‌دهد و انگیزه شرعی و دینی کافی برای درگیر شدن در مسائل مبتلابه ناشی از اتخاذ راهکارهای تکفیری ندارد، بلکه با تعریفی گسترده از جهاد، تمام حیات و فعالیت‌ها یک مسلمان در راه خدا را جهاد تلقی کرده است و جهاد مسلحانه را بخشی از جهاد در راه خدا و نه تمام آن می‌داند.

در این نوع نگاه، امکان شرعی و جواز دینی خاصی به مفهوم جهاد برای اعضای جماعت پدید می‌آید که می‌توانند با اولویت دادن به جهاد مسالمت‌آمیز و اصلاحی درون جامعه، تا حد امکان از جهاد مسلحانه اجتناب ورزند.

اما داستان جهاد و تکفیر در دستگاه فکری القاعده و جماعت جهادی و تکفیری چیز دیگری است. جهادگرایان به شدت تمایل دارند به شکلی گسترده از ادبیات تکفیری استفاده کنند و هر آن کس را که به مخالفت با آنان برخیزد، در معرض صدور حکم تکفیر قرار دهند. جهادگرایان با کمک گرفتن از احکام تکفیری، انگیزه‌های دینی لازم را در اعضای خود به علت تمرکز بر تاکتیک‌های



مبتنی بر جهاد مسلحانه علیه هر آن کس که تکفیر شده است، خواه مسلمان باشد خواه صلیبی و یهودی، فراهم می‌آورند. بنابراین، مفاهیم جهاد و تکفیر در فکر سیاسی القاعده و جماعت‌های جهادی - تکفیری بسیار پررنگ‌تر و فراگیرتر از تأثیرات این مفاهیم در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین است.

3. در زمینه نوع برخورد یا تعامل با حکومت‌های سکولار مستقر در کشورهای اسلامی نیز تفاوت‌های جدی میان جماعت اخوان المسلمین و سازمان القاعده و جماعت‌های جهادی و تکفیری مشاهده می‌شود.

در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین، سکولاریسم مفهومی اسلامی نیست و نمی‌توان بدان تمسک جست و باید در راه باز گرداندن حکومت به مسیر اسلامی و صحیح آن اقدام کرد. دیدگاه‌های سیاسی القاعده نیز در مجموع مؤید چنین نظری است؛ با این تفاوت که اخوانی‌ها معتقدند در طول زمان می‌توان با عناصر و گروه‌های سکولار تحت قوانین سکولار حاکم فعالیت کرد و جامعه را از این طریق آگاه ساخت و زمینه حکومت اسلامی را فراهم آورد، اما القاعده و جهادگرایان دیگر اساساً هرگونه همکاری یا تن دادن به قوانین سکولار و اطاعت یا تعامل با حکومت‌های غیردینی را مردود و مشارکت در جلوه‌های دموکراتیک، پارلمانی و حزبی را که مستلزم تبعیت از قوانین دولت سکولار باشد، نامشروع می‌دانند.

4. طبق دیدگاه‌های اخوانی و القاعده، مسلمانان باید با سلطه و نفوذ بیگانگان مبارزه کنند و سرزمین‌های اسلامی را از یوغ متجاوزان و اشغالگران برهانند. در این میان، جماعت اخوان نوعی تقسیم‌بندی نانوشته را ملاک قرار می‌دهد که اسرائیل غاصب به عنوان دشمن اصلی و مصداق بیگانه و کافر قلمداد می‌شود و مبارزه با آن و جلوگیری از نفوذ عمال رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اسلامی واجب قلمداد می‌شود. اما بیگانگان دیگر واجد درجات مختلفی از دشمنی و خطرآفرینی برای بلاد اسلامی هستند و می‌توان بسته به نوع موقعیت و شرایط زمانی و مکانی با آنان مذاکره و حتی نوعی تعامل و همکاری را با آنان آغاز کرد. در مقابل، سازمان القاعده و جماعت‌های جهادی اساساً هرگونه همکاری یا تعامل و مذاکره با بیگانگان را مردود می‌دانند و تلاش دارند به هر وسیله ممکن بیگانگان را از سرزمین‌های اسلامی بیرون کنند. از این رو،



جماعت‌های جهادی ترور علیه هر عنصر خارجی را در سرزمین‌های اسلامی مشروع می‌دانند و خارجی و غیرمسلمان بودن از نظر آنان نوعی جرم و مستحق عقوبت است.

۵. چگونگی برخورد با مسلمانان دیگر از مذاهب و عقاید متفاوت با مرام سلفیه نیز از موارد اختلافی اندیشه سیاسی و مذهبی سازمان القاعده و جماعت اخوان المسلمین است.

به طور مشخص مشاهده می‌شود برپایه مرام و فکر سیاسی جماعت اخوان، برخورد قهرآمیز یا تفرقه‌افکنانه با مسلمانان دیگر و اساساً ورود به مسائل اختلافی و درونی جهان اسلام مطلوبیت ندارد و جزء دغدغه‌های اخوان المسلمین به حساب نمی‌آید. اما سازمان القاعده و جماعت‌های جهادی و تکفیری بر پایه مبانی فکری و عقیدتی خود، تمام عقاید اسلامی را که در تخالف یا تقابل با اندیشه سلفی خاص القاعده باشد، عقاید و مرام انحرافی می‌شمرند که هر کدام با توجه به درجه اهدافش، شایسته برخورد و اعمال قهرآمیز است.

می‌توان گفت اگرچه مبانی فکری و ریشه‌های اندیشه دینی و سیاسی جماعت اخوان المسلمین و سازمان القاعده مشترک است و برپایه مذهب یا مرام سلفی قوام یافته است، ما با دو طرز تلقی و دو گفتمان متفاوت از سلفیه روبه‌رو هستیم. یکی به شدت خشونت‌گراست و سر سازگاری با عقاید و مذاهب دیگر ندارد و دیگری، توان تولید ادبیات مشترک و اتحادبرانگیز در جامعه اسلامی را دارد. در حقیقت، تقویت هر یک تضعیف دیگری را به همراه خواهد داشت و به نظر می‌رسد برای تحقق وحدت اسلامی یا دست‌کم کاهش چالش‌های درونی جهان اسلام و جوامع اسلامی باید ادبیات و فکر سیاسی و مذهبی اخوانی، در برابر فکر و عمل سیاسی و مذهبی سازمان القاعده در جهان اهل سنت و جماعت مورد حمایت قرار گیرد تا از گسترش زمینه‌های جذب افراد و جوامع به سمت اندیشه‌های مبتنی بر برخورد، تکفیر و تفرقه جلوگیری شود و احتمال بهره‌برداری و سوءاستفاده مخالفان گسترش اسلام منطقی، معتدل و میانه‌رو به حداقل ممکن برسد.



مؤسسه مطالعات اندیشمندانه فوری

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام

سال یازدهم - شماره ۴۴ - زمستان ۱۳۸۹

